



تعقل باطنی انسان در شب بیشتر است/ انسان و قرآن ۷ بطن دارند

ابراهیمی دینانی گفت: علت اینکه دقت انسان در شب بیشتر است، این است که در هنگام شب، انسان از حواس خودش کنار می‌رود. وقتی حواس کمرنگ می‌شوند، تعقل باطنی انسان قوی‌تر می‌شود.

ابراهیمی دینانی گفت: علت اینکه دقت انسان در شب بیشتر است، این است که در هنگام شب، انسان از حواس خودش کنار می‌رود. وقتی حواس کمرنگ می‌شوند، تعقل باطنی انسان قوی‌تر می‌شود.

به گزارش خبرنگار مهر، غلامحسین ابراهیمی دینانی عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران و چهره ماندگار فلسفه در برنامه «معرفت» که از شبکه ۴ سیما پخش می‌شود، درباره جایگاه قرآن اظهار داشت: جایگاه قرآن یعنی جایگاه کلام خداوند و چیزی مهم‌تر از کلام خداوند وجود ندارد؛ بنابراین جایگاه قرآن بسی رفیع است.

وی افزود: تردیدی در رفعت و جایگاه قرآن وجود ندارد. باید آیه به آیه و جمله به جمله لطایف قرآن را فهمید. در قرآن کریم، عبارات، الفاظ و کلمات وجود دارد. همچنین در آن اشارات هم وجود دارد که ممکن است هرکسی آن را نداند، چرا که یک لطایفی دارد که از اشاره بالاتر است و بالاتر از عبارات، اشاره و لطایف، حقیقت است.

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران تصریح کرد: ممکن است یک نفر فقط به صرف عبارات بسنده کند و عده‌ای به اشارات برسند و بیشتر خرسند می‌شوند. کسانی هم از اشارات فراتر می‌روند و به عالم لطایف قدم می‌گذارند که خیلی بالاست؛ البته کسانی هم هستند که به حقیقت قرآن می‌رسند.

ابراهیمی دینانی ادامه داد: کسانی که فقط به جنبه تاریخی قرآن می‌پردازند، در مرحله عبارات باقی می‌مانند. تفاسیری که تاکنون درباره قرآن کریم نوشته شده، یکسان نیست. تفاسیر گوناگونی برای قرآن کریم نوشته‌اند. هر کسی با طرز تفکر خودش، آیات را تفسیر کرده است؛ نمی‌توان دو تفسیر از دو تفسیرکننده را پیدا کرد که یکسان باشد.

وی گفت: تفسیر کردن یعنی پرده از روی حقیقت برداشتن. هرکسی پرده ذهن خودش را برمی‌دارد و به یک جایی می‌رسد به همین دلیل برخی از علمای اخباری شیعه معتقدند که ما نمی‌توانیم قرآن را خودمان بفهمیم مگر از طریق روایات. آنها می‌گویند باید ببینیم ائمه اطهار از قرآن چه گفته‌اند که ما از آن پیروی کنیم. همچنین فهم ائمه را از قرآن بفهمیم.

چهره ماندگار فلسفه اظهار داشت: عده‌ای دیگر از علما می‌گویند ما در حد فهم خودمان می‌توانیم بفهمیم. در میان علمایی که فقه و اصول می‌خوانند، این بحث وجود دارد که ظاهر کتاب، حجت است یا خیر. اینکه از ظاهر قرآن فهمیده می‌شود، یعنی می‌توانیم به فهم خود به ظاهر آیات بسنده کنیم یا اینکه ببینیم ائمه (ع) در تفسیر آیه چه گفته‌اند؛ این اختلاف بوده و هم اکنون هم وجود دارد.

به گفته ابراهیمی دینانی، این چهار مرحله عبارات، اشارات، لطایف و حقایق نشان می‌دهد که فهم همه از قرآن یکسان نیست. قرآن ظاهر و باطن دارد. ظاهری دارد که هرکسی زبان عربی بداند، آن را می‌فهمد، اما این ظاهر باطنی دارد.

این استاد دانشگاه بیان کرد: متون قرآن کجاست و چرا ۷ بطن دارد؟ چون انسان ۷ باطن دارد. هیچ موجودی باطن ندارد. انسان تنها موجودی در این عالم است که باطن دارد و هر چه به باطنش می‌رود، باطن دیگری پشت آن باطن وجود دارد اما عمق هیچ دریایی به باطن قرآن کریم نمی‌رسد.

وی تأکید کرد: انسان قدرت ساختن ظاهر دارد. قدرت ظاهرسازی انسان بی‌نهایت است و می‌تواند خود را به هزاران شکل دریاورد و تظاهر کند. هر انسانی در این عالم از بدو خلقت می‌خواهد بیشتر از آن چیزی که است، شود، چرا که به آن چیزی که دارد، قانع نیست. این به یک معنی، ویژگی و معنی دیگر، عظمت انسان است. انسان همواره در حال ترقی است.

ابراهیمی دینانی با بیان اینکه وقتی انسان به یک لایه‌ای از لایه‌های قرآن برسد، به لایه‌ای از لایه وجود خودش می‌رسد.

رسد و چیز تازه ای از خود می بیند، گفت: قرآن لایه لایه است به دلیل آنکه انسان لایه لایه است.

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران افزود: جهانی که یک حکیم را می بیند، با جهانی که یک غیرحکیم می بیند، فرق دارد. افق دید یک ادیب از غیرادیب بیشتر است. حال اگر این ادیب، حکیم هم باشد، افق دیدش خیلی بیشتر است. گشودگی جهان برای همه اشخاص یکسان نیست. وقتی افق دید انسان ها به همه چیز متفاوت است، افق دیدشان به وجود حق تبارک و تعالی هم یکسان نیست.

وی عنوان کرد: همه انسان هایی که در دنیا زندگی می کنند، حتی کسانی که حقیقت را انکار می کنند، ترس از خطا دارند. هر آدمی می ترسد که یک روز خطایی کند. اگر به یک حقیقتی باور نداشت، از خطا نمی ترسید. همه به یک حقیقتی باور دارند ولی به روی خودشان نمی آورند.

ابراهیمی دینانی در پایان خاطرنشان کرد: چرا انسان در شب بهتر می فهمد؟ آیا تاریکی در آن اثر دارد؟ علت اینکه دقت انسان در شب بیشتر است، این است که در هنگام شب، انسان از حواس خودش کنار می رود. در روشنایی، حواس غالب است، وقتی که تاریک شد، حواس کمرنگ می شود. چون اشتغالات حسی انسان کم می شود. وقتی حواس کمرنگ می شوند، تعقل باطنی انسان قوی تر می شود.